

از تجربه زیسته تا معنای جنبش زنان

گفت‌وگو با شیرین یادگاری (بخش نخست):

به قلم: آناهیتا دی‌پیر

در بخش نخست گفت‌وگو با شیرین یادگاری، تلاش کردم به نقطه‌ای بازگردیم که اغلب در بحث‌های سیاسی و رسانه‌ای گم می‌شود: تجربه زیسته زن ایرانی، پیش از آنکه به نظریه، ایدئولوژی یا شعار تبدیل شود. پرسش‌های این بخش از معرفی شخصی تا تعریف جنبش زنان و ریشه‌های کنش اجتماعی. نه برای صدور حکم، بلکه برای شنیدن و فهمیدن طرح شدند.

خانم یادگاری در پاسخ به این پرسش «شیرین یادگاری کیست؟» خود را نه صرفاً به عنوان یک فعال، بلکه به عنوان زنی معرفی می‌کند که مسیر زندگی‌اش از کودکی، انقلاب، جنگ، تبعیض و سپس مهاجرت عبور کرده است. این روایت شخصی، زمینه‌ای فراهم می‌کند برای درک نگاه او به جنبش زنان: نگاهی که میان امید و ناامیدی، خشم و مسئولیت، و آرزو و واقعیت در نوسان است.

در پرسش‌های بعدی، گفت‌وگو از «زندگی فردی» به «معنای جنبش زنان» گسترش می‌یابد. آنچه در این بخش برجسته است، تأکید یادگاری بر جنبش زنان نه به عنوان یک پروژه وارداتی یا صرفاً نظری، بلکه به مثابه پاسخی تاریخی به بی‌عدالتی‌های انباشته شده است. او جنبش زنان را نتیجه صدایی می‌داند که بارها سرکوب شده، اما هر بار در شکلی تازه بازگشته است.

در این گفت‌وگو، جنبش زنان نه در تقابل ساده با مردان، بلکه در پیوند با جامعه فهم می‌شود. از نظر او، تجربه زنان ایرانی چه در داخل کشور و چه در مهاجرت، نشان داده که هیچ تغییر پایداری بدون مشارکت آگاهانه و مسئولانه زنان امکان‌پذیر نیست. این نگاه، جنبش زنان را از دوگانه‌های ساده‌انگارانه دور می‌کند و آن را به مسئله‌ای انسانی و اجتماعی بدل می‌سازد.

بخش نخست گفت‌وگو، بیش از آنکه پاسخی قطعی بدهد، پرسش‌هایی تازه پیش روی مخاطب می‌گذارد: جنبش زنان از کجا آغاز می‌شود؟ از خیابان؟ از خانه؟ از آگاهی فردی؟ یا از شکستن سکوت‌های روزمره؟ هدف این بخش، نه اقناع فوری، بلکه دعوت به تأمل است؛ دعوت به شنیدن صدایی که از دل تجربه برمی‌آید، نه از پشت تریبون.